

دین و جهانی شدن

به کوشش:

دکتر محمد رضا دهشیری



مرکز ملی جهانی شدن

۱۳۹۳

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه	دهشیری، محمدرضا، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور	دین و جهانی شدن / به کوشش محمدرضا دهشیری.
مشخصات نشر: تهران	مرکز ملی مطالعات جهانی شدن، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۲۳ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۶-۱۴-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
یادداشت	کتابنامه: ص. [۲۰۹]-۲۲۱، همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	جهانی شدن
موضوع	جهانی شدن — جنبه‌های مذهبی — اسلام
موضوع	ایران — جنبه‌های مذهبی
شناسه افزودن	مرکز ملی مطالعات جهانی شدن
رده‌بندی کنگر	۱۳۹۳ ۹۳۵۹/د ۱۳۱۸ JZ
رده‌بندی دیویی	۲۷۱/۱
شماره کتابشناسی ملی	۲۰۱۷



مرکز ملی مطالعات

دین و جهانی شدن

به کوشش: دکتر محمدرضا دهشیری

ویرایش و صفحه‌آرایی: هزاره سوم اندیشه

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۴۶-۱۴-۲

چاپ و لیتوگرافی: شرکت ایران چاپ

قیمت: ۱۷۰۰۰ ریال

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر برای ناشر محفوظ است.

استفاده از اطلاعات کتاب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی ناشر: تهران، سعادت‌آباد، خیابان هجدهم، پلاک ۱۷

تلفن: ۲۲۰۷۰۸۷۷ دورنگار: ۲۲۰۷۰۸۷۷

پیشگفتار

جهان امروز عصر دانایی و فناوری لقب گرفته است. در این فرآیند، کشوری قوی‌تر است که دانش بیشتری تولید کند و به اطلاعات بیشتری دسترسی داشته باشد. این آگاهی و دانش، دیدگاه و ویژگی روز آمدی و قابل دسترس بودن در کمترین زمان ممکن برخوردار باشد.

در دنیای پیچیده‌ی کنونی، دانش و اطلاعات نه تنها با سرعت شگفت‌انگیزی تولید می‌شود بلکه با همان سرعت گسترش می‌یابد. در نتیجه، اندک تردید هر محقق در روزآمد کردن دانش و آگاهی خود، یعنی سریع به اطلاعات تخصصی مورد نیاز، باعث فرسنگ‌ها فاصله وی از قافله پر شتاب علم می‌گردد.

در این رهگذر، جهانی‌شدن باعث شده است که برادر جامعه جهانی بیش از پیش به اطلاعات، آگاهی و دانش احساس نیاز کنند. بویژه آنکه جامعه بشری به‌سوی جامعه معرفتی در حال حرکت است که در آن تمامی مناسبات براساس دانش و اطلاعات شکل می‌گیرد. عصر جهانی‌شدن ضمن برجسته ساختن نقش اهمیت آگاهی و دانش موجب تسهیل جریان اطلاعات را فراتر از مرزهای جغرافیایی فراهم آورده است. از این‌رو است که جهانی‌شدن در چند دهه‌ی اخیر توجه متفکران، دولتمردان و سیاستگذاران را به خود جلب کرده و در باره آن کتب و مقالات فراوانی به رشته تحریر در آمده است. همایش‌های زیادی در باره ابعاد و پیامدهای این پدیده در اقصی نقاط جهان برگزار گردیده و در محافل سیاسی و علمی بین‌المللی بدان پرداخته شده است.

اهمیت موضوع، گستره‌ی همه‌جانبه آن و تأثیرات شگرفی که بر ابعاد مختلف زندگی در دنیای معاصر داشته است و دارد، ایجاب می‌کند که این موضوع از جهات مختلف بررسی و واکاوی شود.

مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن در راستای انجام رسالت و مأموریت خویش مبنی بر ایجاد درک جامع و صحیح از روند جهانی‌شدن و فرصت‌ها و چالش‌های این پدیده و فراهم کردن زمینه‌های لازم برای سیاست‌گذاری، تدوین راهبردها و راهکارهای مناسب برای دستگاه‌های علمی و اجرایی کشور جهت تصمیم‌گیری‌های صحیح و سازنده در تعلق با آینده جهانی‌شدن و با هدف اطلاع‌رسانی به مخاطبین و علاقمندان به مباحث جهانی‌شدن در حوزه‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی، نیز تقویت ادبیات علمی و پژوهشی کشور در زمینه جهانی‌شدن اقدام به نشر اثر حاضر کرده است، با این امید که گامی متواضعانه در مسیر آگاه‌سازی جامعه علمی و دانشگاهی کشور نسبت به این موضوع مهم بردارد.

در اینجا بر خود لازم می‌دانیم دانش‌پژوهان ارزنده‌ی مسئولان و کارشناسان معاونت آموزشی و پژوهشی مرکز که فعالیت‌های پژوهشی را برای آماده‌سازی این اثر جهت چاپ و انتشار معمول داشته‌اند قدردان و سپاسگزاری نمایم. امید است کتاب حاضر مورد استفاده پژوهشگران دانش‌پژوهان و دانشگاهیان ارجمند قرار گیرد و زمینه‌ساز تعامل فزاینده‌ی مرکز با نخبگان علمی و مراکز تحقیقاتی و آموزشی کشور گردد.

علیرضا هری

رئیس مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن

فهرست

مقدمه	۱۱
گفتار اول: اسلام و جهانی شدن: ظرفیت‌ها و راهکارها (دکتر محمد رضا دهشیری)	۲۳
مقدمه	۲۳
مبحث نخست؛ اسلام در فرآیند جهانی شدن: بنیادها و ظرفیت‌ها	۲۴
مبحث دوم؛ راهکارهای تبیین و اشاعه دیدگاه‌ها و اسلام در عصر جهانی شدن	۳۰
الف. نگاه تمدنی به دین	۳۰
ب. تقدم اندیشه‌ورزی بر ابزارانگاری	۳۱
ج. ساده‌سازی مفاهیم دین	۳۲
د. توسیع دایره عقلانیت	۳۲
هـ. نگاه همه‌جانبه به توسعه در مسیر تعالی	۳۳
و. بهره‌گیری از ظرفیت‌های جهان اسلام	۳۴
ز. توجه بیشتر به نقش نخبگان فکری و ارتباطی	۳۴
ح. رویکرد غرب‌پژوه تمدن اسلامی	۳۶
ط. ایجاد فضای مناسب برای گفتگو	۳۶
فرجام سخن	۴۱
گفتار دوم: قرآن و جهانی شدن (زینب مزرعی فراهانی - محمد رضا مزرعی فراهانی)	۴۳
مقدمه	۴۳
مبحث اول: جاودانگی و جامعیت قرآن کریم	۴۵
الف. جاودانگی قرآن کریم	۴۵

۴۷	ب. جامعیت قرآن کریم
۴۸	مبحث دوم: جهان شمول بودن قرآن کریم
۵۰	مبحث سوم: آینده‌های جهانی قرآن
۶۳	نتیجه‌گیری

گفتار سوم: بررسی مبانی فرجام‌شناختی دین اسلام در فرآیند جهانی شدن

۶۵	(دکتر: حسن گوری - مهدی وفایی)
۶۵	مقدمه
۷۲	پیوسته جهانی شدن و پایان تاریخ
۸۵	فرجام‌شناسی در اندیشه شیعه
۹۱	نتیجه‌گیری
۹۵	گفتار چهارم: ظرفیت دین اسلام در عصر جهانی شدن (صدیقه حمیدی)
۹۵	مقدمه
۹۸	مبحث نخست: مفهوم‌شناسی جهانی شدن، فقه‌سیاسی و فقه‌سیاسی اسلام
۹۸	الف. جهانی شدن
۱۰۰	ب. دین
۱۰۱	ج. فقه
۱۰۲	د. فقه سیاسی
۱۰۴	هـ. فقه سیاسی اسلام
۱۰۶	مبحث دوم: بنیان‌های فکری فقه اسلام
۱۰۶	الف. حق حیات
۱۰۸	ب. حق آزادی
۱۱۰	ج. حق تدین (آزادی عقیده)
۱۱۱	د. حق امنیت
۱۱۴	هـ. حق تساوی و برخورداری از امتیازات اجتماعی
۱۱۷	مبحث سوم: مؤلفه‌های جهانی فقه شیعه
۱۱۷	الف. عقلانیت
۱۲۰	ب. اجتهاد
۱۲۲	ج. عدالت و کرامت انسانی
۱۲۴	د. فرامرزی بودن دستگاه فقهی شیعه
۱۲۵	مبحث چهارم: چگونگی مواجهه فقه‌سیاسی شیعه در برابر پدیده جهانی شدن

نتیجه‌گیری	۱۲۸
گفتار پنجم: اخلاق در عصر جهانی‌شدن: موانع و راهبردها (زینب امیری‌فر - محمد امین ملکی)	۱۳۱
مقدمه	۱۳۱
مبحث نخست: اخلاق اجتماعی در عصر جهانی‌شدن	۱۳۲
الف. جامعه ایده‌آل و نیازهای اخلاقی	۱۳۲
ب. ضرورت اخلاق در جامعه انسانی	۱۳۳
ج. اخلاق جهانی «مهمترین مصداق اخلاق اجتماعی»	۱۳۴
د. ویژگی‌های مهم اخلاق اجتماعی جهانی	۱۳۵
هـ. موانع سبب قلای اخلاق جهانی	۱۳۶
مبحث دوم: دین و اخلاق اجتماعی جهانی	۱۳۹
الف. دیدگاه اسلام بر قبایلیت اخلاق اجتماعی جهانی	۱۳۹
ب. جهانی‌شدن، زمینه‌ساز اخلاق جهانی مبتنی بر دین	۱۴۲
نتیجه‌گیری	۱۴۳
گفتار ششم: عقلانیت دینی در عصر جهانی‌شدن (فاطمه نام‌آور)	۱۴۵
مقدمه	۱۴۵
مبحث نخست: مفهوم‌شناسی عقلانیت دینی و جهانی‌شدن	۱۴۶
الف. مفهوم‌شناسی عقلانیت دینی	۱۴۶
ب. جهانی‌شدن و حرکت جهان به سمت یکپارچگی	۱۴۸
مبحث دوم: عقلانیت و روشنگری دینی	۱۵۰
الف. ارزش عقل در متون دینی	۱۵۰
ب. نگرش‌های گوناگون نسبت به نقش عقل در روشنگری دینی	۱۵۳
نتیجه‌گیری	۱۶۳
گفتار هفتم: عرفان دینی در عصر جهانی‌شدن: بررسی زمینه‌های اشتراک اسلام و مسیحیت (دکتر مرضیه شریعتی)	۱۶۵
مقدمه	۱۶۵
مبحث نخست: رابطه طولی و عرضی اسلام و مسیحیت	۱۶۷
مبحث دوم: لوگوس و کلمه در اسلام و مسیحیت	۱۷۵
مبحث سوم: ظهورات عرفان در دین اسلام و مسیحیت	۱۸۲
مبحث چهارم: تجلی عشق در اسلام و مسیحیت	۱۸۵

۱۸۷	مبحث پنجم: الاهیات اسلامی و الاهیات مسیحی در فضای جهانی شدن
۱۹۰	نتیجه گیری

گفتار هشتم: اشتراکات دینی و جهانی شدن: پیوندهای عرفان اسلامی و دین هندویی

۱۹۳	(دکتر پریا الیاسی)
۱۹۳	مقدمه
۱۹۹	الف. خیدر جودی و یگانگی خداوند
۲۰۲	ب. شوق بهی
۲۰۳	ج. براس، مساوات و نفی نظام طبقاتی
۲۰۴	د. نفی از اطلال و آکر بر کار و خدمت
۲۰۴	نتیجه گیری
۲۰۷	فرجام سخن
۲۱۱	منابع و مأخذ
۲۱۱	کتابها
۲۱۹	مقالات
۲۲۲	منابع انگلیسی

مقدمه

درخصوص رابطه دین و جهان‌شمار دیدگاه‌های مختلفی عرضه شده است. برخی نویسندگان بر این باورند که جهانی‌سازان مسلمانان را برای نقش‌آفرینی ادیان فراهم می‌آورد به گونه‌ای که با توجه به تأکید بر آموزه‌های جهان‌وطنی در ادیان مختلف الهی، دین به عنوان جهانی‌کننده معنویت، بستری مناسب برای ترویج ایده‌های جهانی به وجود می‌آورد. درمقابل این دیدگاه خوش‌بینانه، عده‌ای دیگر با رویکردی بدبینانه معتقد به شکل‌گیری ادیان محلی و نیز نقش‌آفرینی جنبش‌های بنیادگرا و محافظه‌کار در عصر جهانی‌شدن هستند. بدین ترتیب، رویکرد خوش‌بینانه معتقد است که می‌تواند جهانی‌شدن می‌تواند آثاری سودمند را برای ادیان دربرداشته باشد به گونه‌ای که ادیان قادر می‌گردند تا با بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات ضمن تبیین مشروعیت و اهداف خود در عرصه جهانی، مبانی فکری و سبک زندگی دینی را به انسان‌ها عرضه دارند و با توجه به امکان ارتباط متقابل و پیوستگی جوامع و تحرک ایده‌ها، کالاها، اطلاعات، خدمات، سرمایه و مردم در فراسوی مرزهای جغرافیایی زمینه‌ی ارتقای خودآگاهی جمعی بشری را فراهم آورند. درمقابل، نویسندگان بدبین با تکیه بر جنبه‌های حاشیه‌ای و انحرافی و یا احساسی ادیان تلاش دارند در چارچوب واکاوی جنبه‌های جامعه‌شناختی ادیان و

برجسته‌سازی نقش اعتقادات مذهبی در جنبش‌های بنیادگرای دینی، بر تمایلات خاص گرایانه^۱ و خیزش فرهنگ‌های محلی در عصر جهانی‌شدن تأکید ورزند. بدین ترتیب، نوعی تخالف بین دو دیدگاه پلورالیستی و یونیورسالیستی، خاص‌گرایانه و عام‌گرایانه، ایستارهای^۲ آرمانی و ایستارهای عملگرایانه، هویت‌های چندلایه و منفرد و هویت‌های بسته، تمایلات جهان‌گرایانه و گرایش‌های تمامیت‌خواه^۳ و به‌طور کلی همگنی ادیان یا ناهمگنی و برخورد ادیان در نظریه‌های مربوط به رابطه دین و جهانی‌شدن به چشم می‌خورد. درواقع، همگنی در اثر اتکاء به آموزه‌های مشترک و جهان‌شمول ادیان تحقق می‌یابد در حالی که ناهمگنی بر اثر تأکید بر سنت‌ها و آیین‌های محلی و نهادهای دینی رخ می‌دهد. همگنی در گرایش‌های عام‌گرایانه تأکید دارد درحالی که ناهمگنی بر اهتمام به اشکال محلی هویت‌ها می‌فشارد. همگنی بر استانداردسازی و هنجارسازی مشترک در سطح جهانی تأکید می‌کند درحالی که ناهمگنی بر قد برافراشتن هویت‌های دینی محلی در واکنش به جهان‌شدن و تأکید بر اقدامات فرهنگی محلی و رویه‌های نمادین و آیینی ادیان محلی تأکید دارد. همگنی به جهان‌گرایی‌های شمول‌گرایانه^۴ اهتمام می‌ورزد درحالی که ناهمگنی تمایلات انحصاری^۵ را برجسته می‌سازد و نهایتاً این‌که همگنی بر رواج اندیشه‌های تجددگرایانه مدرنیستی در عرصه جهانی تأکید می‌ورزد درحالی که ناهمگنی بر جنبش‌های مذهبی پس‌مدرن که در تقابل با هژمونی و تمایلات استیلاجویانه قدرت‌های بزرگ در بخش‌های مختلف جامعه جهانی هستند تأکید می‌نماید.

واقعیت آن است که اگر جهانی‌شدن را به معنای خونی‌های جهانی بشر نسبت به اتصال جوامع انسانی و همگرایی فزاینده بین انواع فرآیندهای سیاسی و فرهنگی بین‌المللی و پیوستگی متقابل جهان به یکدیگر بدانیم در این‌صورت دین از نقشی سازنده در توسعه جوامع و فرهنگ‌های بشری در بالاترین سطح عمومیت برخوردارند.

^۱ - Particularistic

^۲ - Attitudes

^۳ - Totalistic

^۴ - Inclusive

^۵ - Exclusive

با توسعه شبکه‌های ارتباطی و مجاری جدید ارتباطی و درهم‌تنیدگی پویای سیاسی با واقعیت‌های ژئوپلیتیک و نیز با توجه به کمرنگ شدن مرزها و فرسایش حاکمیت‌ها، دین توانسته است از قدرت بیشتری برخوردار گردد به گونه‌ای که با تأکید بر همگنی و تشابه آموزه‌های توحیدی مرزهای جغرافیایی را درنوردد و با رواج آموزه‌های جهان وطن‌گرایانه فضایی مناسب را برای نقش‌آفرینی در نظام تصمیم‌گیری جهانی در شرایط جهان‌شدن فراهم آورد. هماهنگی بین اخلاق جهانی و بنیادهای جهان‌وطنانه دینی و افزایش توان ادیان برای برقراری ارتباطات فراتر از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی زمینه را برای برساختن مفاهیم جهانی و افزایش جهت‌گیری‌های عام‌گرایانه در ادیان توحیدی به وجود آورده است. هموار شدن بستر تبلیغ و فضای تبیین دیدگاه‌های دینی یا معنوی در دنیای جهانی‌شده، مرحله به ظرفیت رو به رشد فناوری‌های اطلاعاتی و کاهش فاصله در زمان و مکان، زمینه را برای اشاعه اقدامات هنجارساز اخلاقی و سامان‌بخشی ادیان به جریان‌های جهانی اطلاعاتی، کالاها، سرمایه و خدمات فراهم ساخته است. اهمیت یافتن قدرت نرم و سیاست‌اندیشه‌محور^۱ موجب پذیرش ایده‌های جهانی و ویژگی عام‌گرایانه ادیان ابراهیمی شده است. دین توانسته است نوعی هنجارسازی درباره ترویج کرامت انسانی و رعایت حقوق بشر در عرصه جهانی و گسترش ایده‌های همگن‌ساز مربوط به امور جهانی را تحقق بخشد.

در مقابل، اگر جهانی‌شدن را بیانگر تسلیم فزاینده‌ای ناشی از مراحل اولیه مدرنیزاسیون و تلاشی استیلاجویانه از سوی قدرت‌های استعماری برای مشروعیت بخشی به اقدامات سلطه‌طلبانه خود و معادل «جهانی‌سازی» بدانیم، در آن صورت می‌توان رویکرد تقابلی جنبش‌های دینی در برابر رویکردهای هژمونیک لیبرال مدرنیسم و کاپیتالیسم لیبرال را درک کرد. دین با ارائه اندیشه انتقادی در برابر لیبرالیسم، در قبال تحقق یک مدل واحد تحمیلی از سوی قدرت‌های غربی واکنش نشان می‌دهد و اعتقاد خود را به وجود جهانی‌شدن‌های متعدد^۲ ابراز می‌دارد. به گفته رونالد رابرتسون، «دین

^۱ - Noopolitik

^۲ - Globalizations

یک ترکیب انتقادی جهانی شدن است»^۱، در این رهگذر جنبش‌های دینی بنیادگرا یا فرهمند با تأکید بر تنوع فرهنگی و لزوم توجه به زمینه‌های اجتماعی بومی و فرهنگ‌های متنوع محلی به مقابله با تحمیل شیوه مصرف سرمایه‌داری یا سبک زندگی غربی به جوامع محلی می‌پردازند و در واکنش به دنیوی شدن یا رویکرد سکولاریستی و مادی‌گرایانه مدرنیسم غربی، بر تکثرگرایی فرهنگی که چهره‌ی تشکیل‌دهنده فرهنگ متکثر جهانی است تأکید می‌ورزند و اصطکاک و تنازع رویکردهای دینی را با تفاسیر جهان‌گرایانه، عام‌گرایانه، انحصارطلبانه و استیلاجویانه مدرنیستی از جهان ابراز می‌دارند. در چنین فضاهاست که شاهد بازخیزی جنبش‌های دینی بنیادگرا در عصر جهانی شدن هستیم به گونه‌ای که رهگذر بازتدوین برنامه‌های سیاسی و ایدئولوژیک خود و بازسازی هویت‌های جدیدی، بیش از توجه به زمینه جدید جهانی در صدد تقابل با رویکرد تمامیت‌خواه و بطن‌انگیز غربی برآمده‌اند.

تلاش جنبش‌های مدرن برای ایجاد نظم جدید اجتماعی بر اساس تمایلات ایدئولوژیک عام‌گرایانه و انقلابی که منجر به احادهای ملی یا قومی و نیز اجتماعات سیاسی-اجتماعی را درمی‌نوردد بر اصرار به نادیده‌گرفتن مذهب و هویت اصیل دینی در مقابله با برنامه‌های هژمونیک سیاسی و فرهنگی مدرنیسم غربی استوار است. جنبش‌های مذهبی بنیادگرا با رویکردی منفی نسبت به برنامه‌های فرهنگی و سیاسی یکسان‌انگازانه غربی به انکار انحصارطلبی یا هژمونی‌گرایی و تمامیت‌خواهی ایدئولوژیک نظام لیبرال سرمایه‌داری با توجه به پیش‌فرض‌های عصر روشنگری غربی می‌پردازند. بدین ترتیب، بنیادگرایی دینی با نفی نسبی گرایش و سکولاریسم غربی در صدد برآمده تا با کاربست اعتقادات دینی در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و عمومی موجبات تغییر در زندگی اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری را براساس سرانجام تنوع فرهنگی فراهم آورد. بنیادگرایی دینی را می‌توان یک پدیده مدرن دانست که هدفش نظم دادن مجدد به جامعه بشری با تأکید بر اعتبار سنت‌ها و کاربرد آن با شیوه‌های جدید است. بنیادگرایی دینی با تأکید بر تضاد بین فرهنگ جهانی عام‌گرا و

^۱ - Ronald Robertson, "Globalization and Societal Modernization: A Note on Japans and Japanese Religion", *Sociological Analysis* ۴۷ S, ۱۹۸۷, pp. ۳۵-۴۲.

شرایط محلی خاص گرایانه معتقد است که می‌توان نوعی سازگاری بین دین و مدرنیته (و نه مدرنیسم) برقرار کرد؛ به گونه‌ای که تلفیق آموزه‌های دینی با مظاهر مدرن ویژگی عمده بسیاری از جنبش‌های بنیادگرای معاصر محسوب می‌گردد. بدین ترتیب، اعتقاد به مدرنیته‌ها را می‌توان بخشی از تار و پود جنبش‌های بنیادگرای دینی قلمداد کرد.

درواقع، جنبش‌های دینی معتقد به غربی‌زدایی از مدرنیته^۱ با ارائه تفاسیر متعدد از مدرنیسم و بازتعریف و بازتفسیر تجدد با تأکید بر وجود مدرنیته‌های متعدد و متنوع هستند. بدین ترتیب غرب را از در انحصار گرفتن مدرنیته و سوق دادن آن به سوی مدرنیسم محصور سازند. تنوع بخشی به دیدگاه‌ها و درک‌های جوامع از مدرنیته در مقابل دیدگاه همگن ساز هژمونیک مدرنیسم غربی و تأکید بر تکرار اشکال فرهنگی و اجتماعی مدرنیته و نسبی‌سازی دین به شیوه‌های جدید با توجه به گسترش جریان اطلاعات و ارتباطات موجب جمع جنبش‌های دینی بنیادگرا و ارتباط متقابل آنها در عرصه جهانی شده است. جنبش‌های جدید دینی در عصر دگرگونی اجتماعی توانسته‌اند نوعی «وحدت در متن» را به منصه ظهور رسانند، به نحوی که توجه را از همگن به همانندی و از تفاوت به تنوع معطوف دارند. تمامی این تحولات و روندها حکایت از اهتمام جنبش‌های دینی به بازتفسیر و بازسازی برنامه‌های فرهنگی مدرنیته و نیز برساختن مدرنیته‌های متعدد و تفاسیر جدید از تجدد و بازتعریف آن متناسب با بافت هنجاری خاص جوامع محلی دارند. در واقع جنبش‌های دینی در تلاش برای ایجاد فضای جدید جهانی که در آن شاهد سازگاری بین مدرنیته‌های مختلف باشیم خواستار ایجاد نظامی نوین براساس مفروضات غیرغربی و غیرمدرنیته و انکار انحصار یا هژمونی مدرنیسم غربی هستند. به عبارت دیگر، در جهانی که آگاهی از تفاوت‌ها رو به رشد است جست‌وجوی زمینه‌ای مشترک در عین احترام به تنوع فرهنگی یک گزینه‌ی مورد توجه ادیان است زیرا که گرامی‌داشت تنوع، پیش‌شرطی برای قدردانی از بشریت واحد است که با مشکلات و تهدیدهای مشترک روبروست.

بدین ترتیب، دین با مدرنیسم در تعارض است درحالی که با مدرنیته در تعامل

^۱ - De-westernization of modernity

قرار دارد. به گفته بروس لورنس، دین از مزایای مدرنیته استفاده می‌کند بدون اینکه تحت انقیاد ارزش‌های مدرنیستی از قبیل فردرایی، نسبی‌گرایی، لیبرالیسم و سکولاریسم قرار گیرد.^۱ به عبارت دیگر، دین‌باوران بنیادگرا می‌توانند ضد مدرنیسم و طرفدار مدرنیته باشند. این تمایز بین مدرنیسم و مدرنیته، بنیادگرایان دینی را قادر می‌سازد تا از مزایای ابزاری جهانی‌شدن استفاده کنند بدون اینکه لوازم فرهنگی و فکری مدرنیسم از قبیل نسبی‌گرایی اخلاقی، ایستارهای لیبرالیستی درباره‌ی رفتارهای جنسی و روابط آزاد در مدرنیسم، ایدئولوژی سکولار، اخلاق اباحه‌گرا و فردگرایی لیبرال را بپذیرند. به عبارت دیگر، بنیادگرایان و جنبش‌های بنیادگرا با توجه به تلاش برای بازگشت به دین و بازخیزش و احیای رویکردهای دینی، نوعی رویکرد نوستی^۲ را در اعتقادات و اقدامات خود برگزیده‌اند و ترجیح می‌دهند که تلاش خوداگاهانه را برای بازنمود ارزش‌های اصیل دینی صورت دهند به گونه‌ای که به گفته‌ی شاروت اجزای علمی و فناوری مدرنیته را می‌پذیرند و نسبی‌گرایی فرهنگی تجدد معاصر را رد می‌کنند.^۳ در این صورت می‌توان با برقراری پیوند بین بنیادگرایی و پویایی‌های قدرتمند دین، از مدرنیته به عنوان معیاری عقلانی برای تصمیم‌گیری، تصمیم‌ها و ارزیابی بهره جست و در عین تأکید بر عقاید، دکترین‌ها، اصول و متون مقدس، رویکردهای عقلانی درقبال مسایل جهانی اتخاذ کرد.

با وجود این، مانوئل کاستلز^۴ معتقد است که جنبش‌های بنیادگرای دینی نوعی واکنش دفاعی درقبال جهانی‌شدن از خود بروز داده‌اند. عرض او آنست که بنیادگرایان تاحدودی در برابر فردی‌شدن هویت مقاومت نموده‌اند زیرا از ارتباط با زندگی در شبکه‌های جهانی قدرت یا ثروت قلمداد کرده‌اند. وی معتقد است که بازماندایی این جنبش‌ها به عنوان واکنشی در برابر روندهای فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جهان صورت

^۱ - B. Lawrence, *Defenders of God: The Fundamentalist Revolt against the Modern Age*, San Francisco: Harper, ۱۹۸۹, p. ۲.

^۲ - Neo-traditional

^۳ - S. Sharot, "Religious Fundamentalism: Neo-traditionalism in Modern Societies", *Religion: Contemporary Issues*, Wilson, B. R. (ed.), London: Bellew ۱۹۹۲, ۲۵-۴۴.

^۴ - Manuel Castells.

گرفته است.^۱ بدین ترتیب، کاستلز بین استقبال بنیادگرایان از مدرنیته و واکنش‌های آنان به مدرنیسم تمایز مفهومی قایل نشده است. واقعیت آنست که بسیاری از اعضای هدایتگر جنبش‌های محافظه‌کار مذهبی، آموزش‌های فنی، علمی، پزشکی یا تجاری را از محافل مدرنیستی دریافت کرده‌اند. هم‌چنین کاستلز توجه کافی به دخیل بودن فعالان مذهبی محافظه‌کار در پیکارهای سیاسی و اخلاقی متنوع مبذول نداشته است. حال آنکه بنیادگرایان در عین نفی نسبی‌گرایی اخلاقی و تأکید بر اباحی‌گری در مورد روابط آزاد و هم‌جنس‌پرستی، بر جنبه‌های زندگی مدرنیسم مانند اهمیت مسئولیت فردی برای مسیر زندگی، سخت‌کوشی، اتخاذ ایستاری ایجابی و مثبت در قبال آموزش ترجیحاً در رشته‌های فنی و مهندسی و غیرمرتبط با مطالعات گفتمانی و علوم انسانی تأکید می‌ورزند. به طور خلاصه، جنبش‌های دینی بنیادگرا از بسیاری از منابع مدرن از جمله فناوری‌های نوین ارتباطی بهره می‌برند تا بتوانند از آن در جهت کنترل تغییرات اجتماعی و فرهنگی و تبیین و تبلیغ اعتقادات انجلی‌گستره عمومی استفاده کنند. بدین ترتیب، جنبش‌های بنیادگرای دینی توانسته‌اند رزوم‌های دوگانه و در عین حال ابهام‌آمیز مدرنیته غربی را زیر سوال ببرند به گونه‌ای که بنیادگرایی دوگانگی‌های متضاد مانند سنت در برابر نوبودگی و تجدد، جامعه در برابر فرد، عام در برابر خاص، انگیزه در برابر اراده، و لاهوت در برابر ناسوت، ظرافت‌های ادبی و واقعیت‌های نیات اجتماعی را مد نظر قرار نداده‌اند.

درحالی که کاستلز معتقد است که سرنوشت ادیان به‌سبب یکی از دو گزینه بنیادگرایی و یا دنیوی شدن^۲ به پیش می‌رود، زیگمونت بومس گزینه سومی را بین این دو گزینه در شرایط جهانی شدن مطرح نموده است که همانا بر پیوند دین و مدرنیته در عین نفی مفاهیمی از مدرنیسم استوار است که بر فرآیند دنیوی شدن تأکید دارند.^۳ همانگونه که گیدنز مطرح می‌کند تلاش گروه‌های دینی برای بازگشت به سنت خود نوعی راهبرد غیرستی یا مدرن است که بر بازاندیشی خویشتن و اتخاذ رویکردی نوین

^۱ - M. Castells, *The Power of Identity*, Oxford: Blackwell, ۱۹۹۷, p. ۶۵.

^۲ - Secularization

^۳ - Z. Bauman, *Globalization; The Human Consequences*, Cambridge: Polity Press, ۲۰۰۰.

به دانش مدرن استوار است بویژه آنکه سنت‌ها از نظر اجتماعی بر ساخته می‌شوند.^۱ لذا باز خیزی دین بر امکان هم‌خوانی دین و مدرنیته استوار است. در این صورت است که می‌توان حساسیت و انگیزه ادیان در سطح جهانی را برای تلاش جهت معرفی آموزه های دینی در عین اهتمام به ویژگی‌های محلی و بومی درک کرد و تلاش بنیادگرایان دینی برای اخلاقی کردن مجدد روابط اجتماعی با بهره‌گیری از قدرت ارتباطات جهانی را به پیوند بین محلی‌گرایی و جهانی‌شدن تعبیر کرد زیرا که ظرفیت جهان‌گرایانه و عام گرایانه اقدام دینی با ترویج و تقویت تنوع فرهنگی در انطباق و سازواری است مضافاً آنکه بنیادگرایی دینی را نباید پدیده‌ای همگن و متحدالشکل تصور کرد بلکه دارای انواع و گونه‌های مختلف است گرچه پیوند دیانت و سیاست را بنیادی اساسی برای نقش‌آفرینی دین در دای جهانی‌شده و ترویج آموزه‌های جهان‌شمول و فراگیر دین در پهنه‌ی بین‌الملل می‌دانند.

با توجه به نکات فوق‌الذکر در بردارنده مجموعه‌ای از مقالات است که در زمینه رابطه دین و جهانی‌شدن و مناسبات مختلف به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه مقالات که با یاری همکاران محترم دکتر پریا الیاسی و خانم صدیقه حمیدی گردآوری شده است تلاش دارد ترویج‌کردی نوین را به درهم‌تنیدگی و تعامل دین و جهانی‌شدن عرضه دارد که همانا بر برساختن جهانی‌شدن برای فراگیری آموزه های جهان‌شمول و فراگیر دینی، بهره‌گیری دین از ابزارهای ارتباطی جهانی‌شدن و نقش آفرینی ادیان در نظام تصمیم‌گیری جهانی برای رقم زدن فرآیند «جهانی‌شدن از پایین» و یا تحقق جهانی‌شدن‌های متعدد استوار است.

مقاله نخست با عنوان «اسلام و جهانی‌شدن: ظرفیت‌ها و چالش‌ها» به قلم اینجانب تلاش دارد تا تبیین نماید که اسلام به عنوان نظام جامع‌العیوب که تعالیم خود را بر فطرت، خداآواری، حاکمیت ارزش‌های معنوی، علم، عقلانیت، کرامت انسانی، عدالت‌گستری و تحقق صلح و امنیت بنا نهاده است، قوانین و هنجارهایی متناسب با جهان بدون مرز دارد و با عنایت به اهتمام به مشترکات انسان‌ها و نوع

^۱ - A. Giddens, "Living in a post-traditional society", *Reflexive Modernization*, Beck, U., Giddens A, and Lasch, S. (eds.), Cambridge: Polity Press, ۱۹۹۴, pp ۵۶-۱۰۹.

رسالت و ماهیت آموزه‌های عقلانی، عادلانه، جهان‌شمول، تعامل‌گرایانه و انعطاف‌پذیر آن که کلیه ابعاد حیات انسانی را دربرمی‌گیرد قابلیت آن را دارد که با بهره‌گیری از فضای جهانی‌شده و استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نقش سازنده دین را در جامعه بشری به منصه ظهور رساند و آموزه‌های دینی را با تکیه بر پیام اخلاق، معنویت و سعادت بشری فرگیر سازد. در این مقاله، نخست به بنیادهای نظریه‌های جهانی دین اسلام برای ایفای نقش در فرآیند جهانی‌شدن و سپس به شکلی اشاعه دیدگاه‌های اسلام در عصر جهانی‌شدن پرداخته شده تا از این رهگذر به اثبات جامعه دین اسلام و جهان‌نگری آن در عصری پردازد که در آن شاهد جهانی‌شدن می‌باشیم.

مقاله دوم «عزت قرآن و جهانی‌شدن» به قلم خانم زینب مزرعی و آقای محمدرضا مزرعی نوشته شده است. با تبیین اینکه قرآن کریم به عنوان یک کتاب آسمانی جهانی هم فرهنگ آن جهان است هم جهانی می‌اندیشد و هم جهانی سخن می‌گوید و برای انسان معاصر الگویی مطلوب را از جهانی‌شدن عرضه می‌دارد تا او را جهان‌بین پرورش دهد، به تشریح ویژگی‌های حاکم بر فراگیر الهی در پرتوی ظهور منجی عادل در آخرالزمان از منظر قرآن کریم می‌پردازد که در نهایت موجب شکوفایی و پیشرفت علم و دانش بشری در جامعه جهانی‌شده می‌گردد.

مقاله سوم با عنوان «مبانی فرجام‌شناختی دین اسلام» در فرآیند جهانی‌شدن» نوشته آقایان دکتر عباس گوهری و مهدی وفایی به تشریح بنیان‌های فکری، تاریخی و کلامی اندیشه‌های فرجام‌شناسانه در فرآیند جهانی‌شدن و تجزیه و تحلیل پایان تاریخ به عنوان عنصر کلیدی فهم مبانی آخرالزمانی و بنیان‌های اندیشه‌ی فرجام‌شناختی اسلام در عصر جهانی‌شدن می‌پردازد. نویسندگان با تشریح درهم تنیدگی جهانی‌شدن و پایان تاریخ و پیوستگی نظری آنها در اندیشه کلامی ادیان ابراهیمی به‌ویژه اندیشه‌های آخرالزمانی دین اسلام که از بنیان بر ایده مهدویت پیوند یافته است آن را هم‌تافته با فهمی دینی از عالم و فرجام آن و نیز زمینه‌ساز نقش‌آفرینی اسلام در عصر جهانی‌شدن و تحقق حکمرانی جهانی بر اساس اندیشه مهدویت می‌دانند که موجبات گسترش عدل و داد را در سراسر گیتی فراهم می‌آورد.

مقاله‌ی بعدی با عنوان «ظرفیت‌های راهبری فقه اسلامی در عصر جهانی‌شدن» به قلم خانم صدیقه حمیدی ضمن تبیین ظرفیت‌های فقه اسلامی برای بهره‌گیری از فناوری‌ها و ابزارهای نوین برای ساماندهی امور جوامع بشری بدین‌مهم می‌پردازد که فقه اسلامی (با تأکید بر فقه شیعه) قابلیت آن را دارد که ظرفیت‌های بالقوه مؤلفه‌های جهانی‌شدن را به فعلیت رسانیده و با اتکا به مبادی فکری و نظری قوی و جامع‌ش و قابلیت ظرفیت آن برای مواجهه با پدیده‌ها و پاسخگویی به مسائل روز انسان‌ها، ضمن به دست‌گیری زمام امور هدایت بشری به عرضه‌ی مبانی و ساختارهایی متناسب با دنیای امروز همت گمارد تا از این رهگذر ظرفیت‌های پویای فقه سیاسی اسلام را در فرآیند جهانی‌شدن به‌منصه ظهور رساند.

مقاله پنجم با عنوان «اخلاق در عصر جهانی‌شدن: موانع و راهبردها» نوشته خانم زینب امیری‌فر و آقای محمدا میرزا لکلی ضمن تبیین نیازهای اخلاقی جامعه انسانی، جهانی‌شدن را فضایی مناسب برای توسعه نظام اخلاقی جهان‌شمول و همگانی به‌منظور برقراری نظم جهانی مطلوب برای جوامع بشری می‌داند و نقش دین را با توجه به ارتباط تنگاتنگ آن با اخلاق به منزله‌ی پشت‌پا برای تحقق نظام اخلاقی جهان‌شمول قلمداد می‌کند، مضافاً آنکه اخلاق دینی را دارای بنیان‌های قوی برای عرضه به عنوان اخلاق جهانی محسوب می‌دارد. نویسندگان ضمن اشاره به ویژگی‌های مهم اخلاق اجتماعی جهانی و نیز دیدگاه اسلام درباره‌ی آن بر این برزخ که دین با توجه به برخورداری از آموزه‌های جهان‌شمول اخلاقی موجب فرآیندسازی نظام اخلاقی جهانی را در دنیای جهانی‌شده فراهم می‌آورد.

مقاله ششم با عنوان «عقلانیت دینی در عصر جهانی‌شدن» به قلم خانم فاطمه نام‌آور تلاش دارد تا عقلانیت دینی را به عنوان عنصر پیش‌برنده حرکت به سمت یکپارچگی با رویکرد ایجاد صلح پایدار معرفی نماید و با اتکا به نصوص قرآنی الهی و آراء متفکران دینی در زمینه ارزشمندی عقل، اهتمام به تعقل و توجه به اندیشه‌ورزی، موضع میانه اعتدال‌گرایان را در برابر ایمان‌گرایان (قائل به تعطیلی عقل) و عقل‌گرایان (معتقد به اتکاء صرف به عقل به عنوان تنها منبع شناخت) برگزیند و با تمسک به اندیشه‌های مشترک دینی به‌ویژه دین اسلام و مسیحیت تأکید نماید که خردورزی و

عقلانیت دینی در عصر جهانی شدن موجبات تسریع تحقق یکپارچگی جهانی را فراهم می‌آورد و بر اساس رویکرد اعتدالی زمینه جهانی شدن مطلوب را تحقق می‌بخشد.

مقاله هفتم با عنوان «عرفان دینی در عصر جهانی شدن: بررسی زمینه‌های اشتراک اسلام و مسیحیت» به قلم خانم دکتر مرضیه شریعتی، ضمن بررسی منشأ مشترک و عرصه‌های تفاهم و مشارکت گسترده رهبران و پیروان دو دین اسلام و مسیحیت در مسأله پیوستن به فرآیند جهانی شدن، معتقد است، عرفان دینی، زمینه تحقق جهانی یکپارچگی را در پرتو ایمان و التزام به خدای واحد فراهم می‌آورد. سیر حرکت جهان به سمت وحدت و انبجام و نیز تحولات گسترده در عصر جهانی شدن که در آن مرزهای فرهنگی و جغرافیایی در حال فرو ریختن است، ضرورت گفتگو و تعاطی فکری بین اندامند و ایمان و مسیحی را بیش از پیش ضروری می‌نماید. در این رهگذر، میل به توارن و همافایی جمعی و جهانی در گروی اجتماع و همزیستی همه اجزا و عناصر ادیان الهی است. لذا شایسته است عناصر مشترک ادیان اسلامی و مسیحی و راه‌های نیل به ایمان و فراگیری، شناسایی و راه‌های مفاهمه و تقریب ادیان در عصر جهانی شدن جستجو شود که در این خصوص عرفان دینی از سهم بسزایی برای یکپارچگی جهانی ادیان و نقش‌های نقش در عصر جهانی شدن برخوردار است.

آخرین مقاله با عنوان «اشتراکات دینی و جهانی‌بودن عرفان اسلامی و دین هندوئی» نوشته خانم دکتر پریا الیاسی، تلاش دارد تا با بررسی جنبه‌های تأثیرگذاری عرفان اسلامی بر دین هندوئی به‌ویژه نهضت ریختن نقش دهد که چگونه می‌توان در عین برخورداری از تنوعات دینی، طریقی واحد را برای رسیدن به رستگاری بشریت ارائه نمود و با وجود عقاید و باورهای متنوع، در قالب یکپارچگی واحد حرکت کرد، به گونه‌ای که تمامی اختلافات و تمایزات، درون عرفان دینی تحلیل شود. الگوی مزبور با تأکید بر اعتقاد به خداوند واحد، عبارت عاشقانه خداوند، خدمت به خلق و نفی تمایزات طبقاتی، قابلیت آن را دارد که با تکیه بر اشتراکات دینی اسلام و دین هندو و با توجه به تأثیرات عرفان اسلامی که موجبات پیوند این دو نظام فکری، اخلاقی و رفتاری را فراهم آورده است، عناصر لازم برای ایجاد یک جامعه جهانی

اخلاق محور را در خود پیروانند و موجبات نقش‌آفرینی این دو دین معنویت‌گرا را در عرصه جهانی‌شدن با تکیه بر اشتراکات عرفانی فراهم آورد.

با عنایت به مباحث پیش‌رو می‌توان دریافت که واکاوی موضوع «دین و جهانی‌شدن» نیازمند مذاقه در آن از ابعاد مختلف کلامی، فقهی، قرآنی، عقلی و عرفانی است که این مهم، بیانگر آن است که مبحث دین در عصر جهانی‌شدن موضوعی میان رشته‌ای است که نیازمند امعان‌نظر و ژرف‌اندیشی از سوی صاحب‌نظران رشته‌های مختلف علوم انسانی، الهیات و روابط بین‌الملل است و زمینه را برای عرضه‌ی دیدگاه‌های مبتنی بر الهیات دینی درمورد جهانی‌شدنی متعدد فراهم می‌آورد. امید آنکه مجموعه‌ی حاضر بتواند مورد بهره‌برداری دانش‌پژوهان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد رشته‌های معارف اسلامی، فلسفه، پژوهی و روابط بین‌الملل به‌ویژه دانشجویان دروس «جهانی‌شدن» و «دین و روابط بین‌الملل» قرار گیرد.

و من الله التوفیق

دکتر محمد رضا دهشیری

عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل

و معاون آموزشی و پژوهشی مرکز ملی مطالعات جهانی‌شدن